

تفسیر تطبیقی و تقریبی؛ از تمایز تا تعامل

مریم جعفرکوپائی^۱

محمد شریفی^۲

چکیده

تفسیر تطبیقی و تقریبی، علی‌رغم این که از جهت کاربردی سابقه دیرین در تفاسیر متقدمان دارند و در زمان معاصر نیز به آن دو اهتمام ویژه شده است؛ اما از جهت نظری و مبانی، کمتر به آن‌ها پرداخته شده است. همچنین با توجه به اینکه تطبیق به تفاوت آرای تفسیری و تقریب به شباهت آرای تفسیری نظر دارد، بررسی و مقایسه علمی و دقیق این دو تفسیر، امری لازم است تا بتوان به این سؤال پاسخ داد که آیا همراهی این دو تفسیر در کنار هم امکان دارد یا خیر؟ نتایج این پژوهش که به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده گویای این است که در دو صورت، همراهی تفسیر تطبیقی با تقریبی امکان ندارد: یکی در حالتی که رویکرد تفسیر تطبیقی، جدلی یا مذهبی باشد و دیگر این که مفسر، رویکرد تقریبی افراطی داشته باشد که در این صورت در برابر آیاتی که دارای اختلاف آرای مذاهب است سکوت می‌کند؛ اما اگر تفسیر تطبیقی با رویکرد تقریبی متعادل و صحیح به بررسی و نقد آراء و نظرات مفسران پردازد، همدیگر را هم‌پوشانی و یاری می‌کنند تا به اهداف تعریف شده خود بدون آسیب‌زایی برسند. با توجه به این که در دو صورت عدم امکان، ثمره تفسیر خارج از اهداف آن‌ها است و منجر به شدت گرفتن اختلافات می‌شود؛ پس تنها راه برای رسیدن به یک تفسیر تطبیقی و یک تفسیر تقریبی اثرگذار، بهره‌گیری هر دو آن‌ها در کنار هم است.

واژگان کلیدی: تفسیر تطبیقی، تفسیر تقریبی، روش تفسیری، گرایش تفسیری.

^۱ طلبه سطح ۴، رشته تفسیر تطبیقی، حوزه علمیه فاطمه الزهرا (س)، اصفهان، ایران. mj.66639299@gmail.com
^۲ دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه یزد، یزد، ایران، (نویسنده مسئول). m.sharifi@yazd.ac.ir

۱. بیان مساله

بیش از چهارده قرن، از تاریخ نزول قرآن کریم گذشته است و مسلمانان از همان صدر اسلام به دنبال فهم کلام الله مجید بودند. با گسترش اسلام و وارد شدن سایر مسائل کلامی و فقهی کم کم دانش مستقلی به نام تفسیر شکل گرفت. در این راستا علمای اسلامی در طول تاریخ از روش‌ها و ابزارها و رویکردهای مختلف برای تفسیر این کتاب مبین و مبارک بهره گرفته‌اند که از جمله آن‌ها تفسیر تطبیقی و تفسیر تقریبی است.

صاحب نظران تعاریف و تلقی‌های مختلفی از تفسیر تطبیقی (تفسیر مقارن) دارند؛ اما تعریفی که می‌شود وجه مشترک تمام تعاریف دانست این است که: «تفسیر تطبیقی، مقایسه آرای تفسیری برای فهم قرآن است» (عسکری، ۱۳۹۷، ص ۴۲). در مقابل، برای تعریف تفسیر تقریبی می‌توان گفت: تقریب از ریشه‌ی «قرب» به معنای نزدیک کردن و نقیض «بعد» است (ابن منظور، بی تا، ج ۱، ص ۶۶۲). در اصطلاح به معنای «نزدیک شدن پیروان مذاهب اسلامی به یکدیگر با هدف تعارف و شناخت یکدیگر به منظور دستیابی به تالیف و اخوت دینی بر اساس اصول مسلم و مشترکات اسلامی» (تسخیری، ۱۳۹۱، ص ۹۴). با توجه به تعریف تقریب می‌توان گفت در تفسیر تقریبی مفسر، در صدد زدودن اختلافات و کینه‌ها و نزدیک کردن دیدگاه‌های سایر مفسران از مذاهب مختلف است.

حال با قرار دادن این دو تفسیر در کنار هم این سؤال پیش می‌آید که شباهت‌ها و تفاوت‌های این دو تفسیر در چیست؟ رابطه این دو تفسیر با هم چگونه است؟ آیا تفسیر تطبیقی تقریبی یک اصطلاح متناقض‌نما است یا امکان هم‌پوشانی و همراهی با هم را دارند؟

پاسخ به این سؤالات از این جهت که تفسیر تطبیقی و تفسیر تقریبی نقش پررنگی در جوامع اسلامی دارند به خصوص در دهه‌های اخیر که از اقبال و اهمیت مضاعفی برخوردار شده‌اند، بسیار حائز اهمیت است. همچنین می‌توان به عنوان یکی از مباحث نظری در حیطه تفسیر تطبیقی و تقریبی به کارآمدی و ضابطه‌مندی آن‌ها کمک کرد و مشخص کرد که این دو تفسیر چه میزان تأثیر و تأثر در هم دارند و ارتباط آن‌ها از جهات مختلف با یکدیگر چگونه است.

۱-۱. پیشینه پژوهش

کاربرد تفسیر تطبیقی پیشینه دیرینه دارد از جمله تفاسیر متقدم که در آن تفسیر تطبیقی شده است تفسیر «جامع البیان فی تاویل آی القرآن» از طبری و تفسیر «التبیان» شیخ طوسی است؛ اما در تمام این تفاسیر تفسیر تطبیقی در ضمن تفسیر ترتیبی کار شده است و تنها در سال‌های اخیر تفسیر تطبیقی رشد چشمگیری داشته است و تفاسیر و تحقیقاتی به صورت مستقل تفسیر تطبیقی کارکرده‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به «بررسی تطبیقی تفسیر آیات

ولایت در دیدگاه فریقین» از نجارزادگان (۱۳۸۸ش) و «تفسیر تطبیقی آیه مودت» از عابدی (۱۳۸۴ش) و... را نام برد. همچنین مجلاتی به این تفسیر اختصاص یافته و سالانه تعداد کثیری مقالات با عنوان تفسیر تطبیقی در حوزه علوم و معارف قرآنی و تفسیر قرآن چاپ می‌شود؛ اما در حوزه مباحث نظری تفسیر تطبیقی یا مقارن یک اصطلاح نوپدید است که نیاز به تبیین و روشمند کردن و معرفی همه جانبه با تنظیم منطقی مباحث دارد، تنها کتابی که مبسوط به این موضوع پرداخته است کتاب «جریان شناسی تفسیر تطبیقی» نوشته‌ی عسکری (۱۳۹۷ش) است و مقالاتی چون «تفسیر مذهبی: چیستی، تشابه و تمایز با تفسیر تطبیقی» از طیب حسینی و مرتضوی (۱۴۰۳ش)؛ مقاله «تفسیر تطبیقی، اغراض و منافع» طیب حسینی و همکاران (۱۴۰۲)؛ مقاله «تفسیر تطبیقی: معنایابی و گونه شناسی» تألیف عسکری و شاکر (۱۳۹۴ش) و... می باشد.

در مورد تفسیر تقریبی آنچه بیشتر درباره‌ی پیشینه‌اش گفته شده است در مورد تقریب مذاهب است که تاریخی کاربردی آن به سیره‌ی عملی و قولی پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصوم (ع) می‌رسد. کتاب الفصول المهمه فی تألیف الأئمة نوشته‌ی شرف الدین (۱۴۲۳ق) و مقاله راهکارهای تقریب مذاهب در سیره و گفتار امام رضا (ع) نوشته‌ی سیاوشی و سلیمانی فر (۱۳۹۴ش) به بیان این موارد پرداخته‌اند؛ اما اصطلاح (تقریب مذاهب) در عصر معاصر به همت جمعی از شخصیت‌های معروف جهان اسلام چون: آیت الله محمد تقی قمی، بروجردی، شیخ عبد المجید سلیم، شیخ محمود شلتوت، سید عبدالحسین شرف الدین و... شکل گرفت که چاپ مجله «رساله الاسلام» توسط مرکز «دار التقرب بین مذاهب الاسلامیه» از نتایج تلاش های پیروان این رویکرد است. همچنین کتاب‌ها و مقالات نسبتاً خوبی در این زمینه منتشر شده است که می‌توان به کتاب‌هایی چون «پیشینه تقریب» از آذرشب (۱۳۹۱ش) و «راهکارهای اندیشه‌ای و کاربردی تحقق تقریب مذاهب اسلامی» از جمعی از اندیشمندان (۱۳۹۰ش) و «رسالت ما تقریب در اندیشه، وحدت در عمل» از تسخیری (۱۳۹۱ش) اشاره کرد. از میان مقالات، مقاله «واکاوی دیدگاه موافقان و مخالفان تقریب مذاهب اسلامی» از هاشمی فشارکی (۱۳۹۷ش) و «برداشت‌های مختلف از تقریب مذاهب اسلامی» از اقبالی (۱۳۸۷ش) و «آسیب شناسی راهکارهای تقریب مذاهب و وحدت اسلامی» از دارابی (۱۳۸۹ش) اشاره کرد؛ اما تفسیر تقریبی در حوزه تفسیر و تفسیر پژوهی برگرفته شده از دیدگاه تقریب مذاهب است و مفسران و دانشمندان پیرو این دیدگاه سعی دارند به واسطه قرآن که نقطه مشترک همه‌ی مسلمانان است، میان فریقین تقریب ایجاد کنند.

هرچند تفسیر تقریبی نیز سابقه دیرینه‌ای دارد و مفسران متعددی چون طبرسی در کتاب‌های تفسیر مجمع البیان و جامع البیان و ثعلبی در تفسیر الکشف و البیان فی تفسیر القرآن با رویکرد تقریبی تفسیر خود را نگاشته‌اند و در

دوران متأخر نیز بعضی مفسرین با این رویکرد قرآن را تفسیر کرده‌اند مخصوصاً در دهه‌های اخیر که تقریباً مذاهب بیش‌تر از همیشه به آن پرداخته‌شده‌است که تفسیر «الکاشف» محمد جواد مغنیه، تفسیر «القرآن الکریم» از شیخ محمود شلتوت و تفسیر «التفسیر الاثری الجامع» از محمد هادی معرفت از جمله این موارد است؛ اما در حیطه نظری و مبانی تفسیر تقریبی بسیار کم به آن پرداخته‌شده‌است. مقاله «مبانی تفسیر تقریبی» از بهادری جهرمی (۱۳۹۷ش) از جمله این موارد است.

با بیان مطالب فوق مشخص شد که این دو تفسیر از بعد نظری نوینان و نوپدید هستند که تحقیق و بررسی بسیار می‌طلبد و به طریق اولی مقایسه دو تفسیر تطبیقی و تقریبی موضوعی نو است که می‌تواند در شناخت تمایزات و تعاملات این دو تفسیر در کنار هم اثرگذار باشد درحالی که هیچ یک از منابع (کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها، مقاله‌ها) به آن پرداخته نشده‌است. بنابراین پژوهش در این موضوع امری لازم است.

۲. مقایسه تفسیر تطبیقی و تقریبی

در این پژوهش تفسیر تطبیقی و تقریبی از جهات جایگاه تفسیری، هدف، مبنا، روش و آسیب مقایسه و بررسی می‌شوند.

۱-۲. جایگاه تفسیر تطبیقی و تقریبی در نظام طبقه بندی تفسیری

تفسیرپژوهان اهتمام دارند که همه گونه‌های تفسیری را در یک نظام طبقه بندی جای دهند؛ اما تا به امروز آن‌ها موفق نشده‌اند که به یک نظام منسجم و مورد قبول تمام مفسران دست پیدا کنند. اختلاف در دیدگاه‌ها و سلاقی باعث شده است که اصطلاحات و تعاریف مختلف و متفاوتی ارائه شود. بعضی این نظام را محدود کرده‌اند و همه را در دو گروه روش‌ها و گرایش‌ها قرار داده‌اند (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۲، ص ۳۲). برخی دیگر با اضافه کردن دسته بندی‌ها تلاش کرده‌اند تا همه آنچه از گونه‌های تفسیر دانسته می‌شود در این دسته‌ها و طبقات جای دهند (شاگرد، ۱۳۸۲، ص ۴۴).

الف - جایگاه تفسیر تطبیقی: جایگاه تفسیر تطبیقی در این نظام تفسیری در میان مفسران موارد متعدد بیان شده است. عده‌ی کثیری از مفسران که حتی تفسیر تطبیقی انجام می‌دهند در این مورد نظری نداده‌اند. کسانی مانند نجار زادگان به صورت غیر صریح در مقدمه کتاب خود تفسیر تطبیقی را یک اسلوب در کنار تفاسیر ترتیبی و موضوعی دانسته‌است (نجار زادگان، ۱۳۸۸، ص ۱).

فهد رومی نیز در دسته بندی که کرده‌است، تفسیر تطبیقی را اسلوب دانسته‌است. او با اذعان به عدم اتفاق نظر بر اصطلاحات و تعاریف، دسته بندی و تعاریف خود را ارائه می‌دهد. **دسته اول:** «اتجاه» یا گرایش یا رویکرد به معنای هدفی که مفسران در تفاسیر خود به سمت آن حرکت می‌کنند و در هنگام نوشتن آن را در نظر

دارند. مثل گرایش عقایدی؛ **دسته دوم: «منهج»** یا روش به معنای راهی که مفسر برای رسیدن به هدف «اتجاه» طی می‌کند. مثل روش قرآنی، روش روایی؛ **دسته سوم: «طریق»** (اسلوب) (سبک): چگونگی و شیوه پیمودن راه برای رسیدن به هدف است؛ مثل تفسیر موضوعی و تحلیلی و تطبیقی (مقارن) (رومی، ۱۴۱۹، ص ۵۵).

در مقابل، عسکری تفسیر تطبیقی را نه اسلوب بلکه یک روش تفسیری می‌داند (عسکری، ۱۳۹۷، ص ۱۱۲). اما او تصریح می‌کند، این تقسیم بندی بنابر تعریف خاص از روش تفسیری (منهج) که مربوط به پذیرش نوع و نحوه‌ی **استناد به منابع** است (شاگرد، ۱۳۸۲، ص ۵۵). قابل پذیرش نمی‌باشد؛ زیرا بر اساس این تعریف منبع و مستندات تفسیر، عامل تفاوت روش‌ها است که سبب تقسیم تفاسیر به مآثور، شهودی، قرآن به قرآن، عقلی و اجتهادی و یا هر روش دیگری که مفسر اهتمام داشته است با واسطه آن منبع تفسیر را انجام دهد، می‌گردد در حالی که اصطلاح تطبیق به منزله‌ی منبع نیست که بتوان در این دسته‌بندی قرار داد؛ بلکه می‌توان مبتنی بر تعریف عام از روش یعنی «چگونگی کشف معانی و مقاصد آیات قرآن» (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۲، ص ۲۱). تفسیر تطبیقی را به عنوان یک روش تفسیری در نظر گرفت؛ زیرا یکی از شیوه‌های دست یافتن به معانی قرآن مجید از راه تطبیق می‌باشد (عسکری، ۱۳۹۷، ص ۱۱۴). البته تفسیر پژوهان خود به این مطلب اعتراف دارند که گونه‌های تفسیری قابلیت تقسیم ریاضی ندارند به این خاطر که حوزه بحث در تمام آن‌ها کلام خدا است و هدف، رسیدن به مراد خدا است. تنها روش‌های مفسران برای رسیدن به این غایت متفاوت است؛ اما این تفاوت از نوع تضاد و تباین نیست بلکه از نوع ترادف و تعاون و تنوع است و استفاده یک روش مستلزم بی‌نیاز شدن از سایر روش‌ها نیست. (مسلم، ۱۴۲۶، ص ۵۲). بنابراین تفسیر تطبیقی اسلوب باشد یا روش در عملکردش تغییری ایجاد نمی‌کند و برای رسیدن به هدفش بی‌نیاز از سایر روش‌های دیگر نمی‌شود.

ب- جایگاه تفسیر تقریبی: تفسیر تقریبی به اذعان همه تفسیر پژوهان و مفسران یک رهیافت یا گرایش یا

اتجاه است. فهد رومی «اتجاه» را هدف که نصب العین مفسر است دانسته است (رومی، ۱۴۱۹، ص ۵۵). **بعضی**

گرایش تفسیری را بر دو رکن دانسته اند: یکی علوم به کار رفته در تفسیر و دیگری فراوانی آن علوم در

تفسیر (قربان زاده و رستمی، ۱۳۹۱، ص ۱۶۲). شاگرد در توضیح گرایش می‌گوید: «مراد از گرایش تفسیری،

صبغه‌ها و لون‌های مختلف تفسیر قرآن است که گاهی با عناوینی چون تفسیر کلامی، تفسیر تربیتی، تفسیر اخلاقی

و... معرفی می‌شود. این گونه امور با تمایلات ذهنی و روانی مفسران ارتباط مستقیم و تنگاتنگ دارد... مهم‌ترین

عامل پدیدآورنده‌ی گرایش‌های مختلف تفسیری، جهت‌گیری‌های عصری مفسران است. این موضوع خود معلول

سه عامل دیگر است، این عوامل عبارتند از: (۱) دانش‌هایی که مفسر در آن‌ها تخصص دارد؛ (۲) روحیات و ذوقیات مفسر؛ (۳) دغدغه‌های مفسر نسبت به مسایل مختلف بیرونی. بنابراین، می‌توان گفت: مراد از گرایش تفسیری، سمت و سوهایی است که ذهن و روان مفسر، در تعامل با شرایط و مسایل عصر خود، بدان‌ها تمایل دارد. (شاگرد، ۱۳۸۲، ص ۴۷) عسکری رهیافت را یک نوع نگاه همانند سرمایه‌ای نامحسوس می‌داند که بر اساس همین سرمایه تفسیر جهت می‌گیرد (عسکری، ۱۳۹۷، ص ۱۰۴). بنابر آنچه بیان شد تفسیر تقریبی یک رهیافت است که در تفسیر سایه افکنده است و تمام مراحل تفسیر از او تأثیر می‌گیرند.

پس در نظام طبقه‌بندی تفسیری بنابر نظر تفسیر پژوهان، تفسیر تطبیقی یا در جایگاه اسلوب و یا در جایگاه روش است که در دو حالت عملکردش شناخت آرای مفسران و انتخاب قول برتر می‌باشد؛ اما تفسیر تقریبی به عنوان نحوه تلقی و نگاه مفسر در جایگاه گرایش به تمام تفسیر احاطه دارد.

۲-۲. مقایسه در هدف

هدف در تمام تفاسیر؛ فارغ از گرایش، منهج و طریق، کشف مراد حقیقی پروردگار است. شاید بتوان نام آن را هدف عام نامید.

الف-تفسیر تطبیقی: هدف در تفسیر تطبیقی بر دو رکن اساسی استوار است، یک رکن از جهت تفسیر بودن که همان هدف عام است و یک رکن دیگر از جهت تطبیق است که هدف آن با قلمرو تفسیر تطبیقی و مطالعات تطبیقی قرآنی پیوند محکم دارد هرچه قلمرو مطالعات تطبیقی قرآنی گسترده‌تر گردد اهداف و اغراض بیشتری می‌توان برای آن برشمرد که از جمله آن‌ها شناخت شباهت‌ها و تفاوت‌ها در اقوال مفسرین و یا انتخاب قول برتر در تفسیر آیات است. (ر.ک: طیب حسینی، ۱۴۰۲، ص ۳۲) که می‌توان آن را هدف خاص تفسیر تطبیقی نامید. البته برخی این موارد را نه هدف تطبیق بلکه ثمره آن دانسته‌اند و هدف اصلی تطبیق را بر اساس رهیافت مفسر ارزیابی کرده‌اند (عسکری، ۱۳۹۷، ص ۳۸).

توضیح اینکه در تفسیر تطبیقی به جهت این که بر پایه‌ی مقایسه است در مبحث‌ها و موضوعاتی استفاده می‌شود که اختلاف و تعدد رأی در آنها وجود دارد. این موضوعات اغلب در بحث‌های کلامی مثل آیات ولایت، عصمت انبیاء، شفاعت و توسل و بحث‌های فقهی مثل آیه وضو و آیه نماز مسافر می‌باشد؛ یعنی از حیث مذهب آرای مفسران بررسی می‌شود که در این میان محقق با دو نوع گرایش تقریبی (نزدیک کردن مذاهب به هم، نگاه غالب تفسیر است) و جدلی مواجه است. گرایش جدلی نقطه مقابل گرایش تقریبی است. در تفسیر تطبیقی با رویکرد جدلی، محقق سعی در تخطئه و کوبیدن نظر سایر مذاهب دارد و تمایز مذاهب از هم و برتر نشان دادن

رای مذهب موافق مفسر، نگاه غالب تفسیر است و بر خلاف رهیافت تقریبی، سبب تفرقه و کاشت کینه در میان فریقین می‌شود (ر.ک: عسکری، ۱۳۹۷، ص ۱۰۴).

اگر مفسر گرایش تقریب را بپذیرد به دنبال اشتراک‌های میان اقوال و پررنگ کردن آنها است و اگر گرایش جدلی را بپذیرد به اختلاف‌ها توجه می‌کند و درصدد حق نشان دادن دیدگاه مذهب خود و باطل بودن نظرات سایرین است. در واقع گرایش محقق تعیین کننده ثمره بحث است. عسکری در کتاب خود از رهیافت دیگری با عنوان معرفتی نام برده است به این معنا که محقق گرایشی فرامذهبی داشته باشد و تنها در پی کشف حقیقت باشد (عسکری، ۱۳۹۷، ص ۱۰۶). اما به نظر می‌رسد این گرایش به سبب دخیل بودن پیش فرض‌های مذهبی در کار تحقیق غیر ممکن باشد؛ مگر اینکه محقق دارای دیدگاه مذهبی نباشد و صرفاً به دنبال مذهب حق باشد.

ب- تفسیر تقریبی: برای هدف در تقریب تعبیرهای یکسان و نزدیک به هم شده است مثل «نزدیک کردن مسلمانان یا پیروان مذاهب مختلف به یکدیگر» (تسخیری، ۱۳۹۱، ص ۹۴؛ جهرمی، ۱۳۹۷، ص ۳۷). یا «درک یکدیگر و دست یابی به رشد علمی و مذهبی» (فخلعی، ۱۳۸۷، ص ۱۷). مبانی در تقریب تأکید بر مشترکات است و قرآن مجید با ارزش ترین و تأثیر گذارترین مؤلفه مشترک در میان مذاهب اسلامی می‌باشد. مفسر با رویکرد تقریبی، با در نظر گرفتن این هدف و جایگاه قرآن در تألیف قلوب مسلمین به آیات توجه می‌کند و سعی دارد با بیان حقایق و زدودن اختلافات به تفسیری دست یابد که نزدیک کننده مسلمان به یکدیگر است.

پس واضح است که اگر تفسیر تطبیقی با رویکرد تقریبی انجام شود در هدف با تفسیر تقریبی یکسان است؛ اما اگر با رویکرد جدلی صورت گیرد با تفسیر تقریبی متفاوت بلکه مخالف و متضاد است.

۲-۳. مقایسه در مبنا

مبنا در لغت به معنای پایه و اساس هر چیز است. (دهخدا، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۲۵۷۷). برای مبنا در تفسیر تعبیر و تعاریف مختلفی شده است، در اغلب موارد قید «پیش فرض‌های اصولی و بنیادین مفسر» آمده است. (شاکر، ۱۳۸۲، ص ۴۰؛ نجارزادگان، ۱۳۸۳، ص ۱۴؛ مؤدب، ۱۳۸۶، ص ۳۷). اما بعضی معتقدند پیش فرض به مفاهیمی که از پیش دانسته شده و بدیهی می‌باشد و نیاز به اثبات ندارد اطلاق می‌شود در حالی که مبانی، گزاره‌های بدیهی نیستند و نیاز به اثبات دارند به این تعاریف اشکال وارد کرده‌اند و تعریفی جامع‌تر و گویاتر ارائه داده‌اند: «مبانی، گزاره‌های بنیادین و زیر ساختی هستند که هم جواز و حقانیت یک دانش یا موضوع علمی را اثبات می‌کنند و هم پس زمینه‌های ذهنی شخص عالم و متخصص در آن دانش یا موضوع علمی را ثابت می‌کنند». (روحی دهکردی و تجری، ۱۳۹۴، ص ۱۰۳).

بعضی صاحب نظران مبانی تفسیر را به مبانی صدور تفسیر قرآن و مبانی دلالتی تفسیر قرآن تقسیم بندی کرده اند (شاگرد، ۱۳۸۲، ص ۴۰). و عده ای دیگر به مختص و مشترک؛ اما گاهی منظور مفسر از مبانی مشترک مبانی است که همه صاحب نظران بر آن اتفاق نظر دارند و مختص مبانی که اختلاف در پذیرش آن وجود دارد (مؤدب، ۱۳۸۶، ص ۳۷). و گاهی کسانی چون نجار زادگان از جهت اینکه تفسیر تطبیقی را به تطبیق دیدگاه های شیعه و سنی محدود کرده است، مبانی مشترک را مبانی می داند که فریقین آن را پذیرفته اند و مبانی مختص مبانی است که در میان فریقین اختلافی می باشد. وی مبانی مشترک میان فریقین پنج مورد می داند: ۱- امکان فهم و جواز تفسیر قرآن ۲- حرمت تفسیر به رای ۳- وجود سطح ها و ساحت ها برای قرآن ۴- حجیت سنت پیامبر خدا در تفسیر ۵- مصونیت قرآن از تحریف و مبانی مختص میان فریقین.

یک مورد مختص به شیعه: حجیت سنت ائمه معصوم (ع) در تفسیر آیات و دو مورد مختص به اهل تسنن: ۱- حجیت عقل در تفسیر قرآن ۲- حجیت قول صحابه در تفسیر قرآن (نجارزادگان، ۱۳۸۳، ص ۱۷).

هر مفسری پیش از ورود به تفسیر قرآن کریم باید این مبانی را اخذ کند. مفسر با رویکرد تقریبی از مبانی مشترک بهره می گیرد تا آیات قرآن را در راستای نزدیک کردن مسلمانان به هم تفسیر کند در همین راستا دو نفر از پیشگامان تقریب رئیس و شیخ الأزهر محمود شلتوت و دبیر کل دارالتقريب شيخ محمد تقی قمی در مجله رساله الاسلام از طرح علمی و بزرگی گزارش دادند. آن دو عالم تقریب گرا با اذعان به این مطلب که همه ی مذاهب، سنت نبوی را به عنوان سرچشمه ی مقدس و حجت، باور و ایمان دارند و هیچ مسلمانی نیست که معترف باشد این حدیث به طور صحیح از پیامبر اکرم (ص) وارد شده است؛ اما شرعاً ملزم به عمل کردن به آن نباشد؛ اختلاف بین مذاهب را در طریق ثابت شدن امر رسول الله (ص) بیان کردند و با اعتقاد به اینکه تعداد بسیاری از روایات در زمینه های مختلف از طریق صحیح وارد شده و مورد اتفاق فریقین است، طرح بزرگ جمع آوری احادیث نبی اکرم (ص) - مورد اتفاق فریقین - در باب های مختلف اخلاق و تفسیر و کلام و... ارائه دادند. به این صورت که در هر باب روایات مورد اتفاق جمع شود و با هر روایت مأخذ و منبع آن از کتاب های شیعه و اهل تسنن و میزان اعتبار آن از نظر فریقین بیان شود (شلتوت، ۱۳۸۱، ص ۲۱۸). در این حالت مفسر با استفاده از احادیث مورد اتفاق فریقین که از مبادی مشترک منشأ گرفته است؛ بسیاری از اختلافات و شبهه ها را برطرف می کند. به تمام این موارد بیان شده مبانی عام مفسر گفته می شود.

یک دسته مبانی خاص هم وجود دارد که مربوط به انتخاب روش و گرایش و سبکی است که مفسر از آن بهره می گیرد. در واقع تفسیر تطبیقی به جهت تطبیقی بودن و تفسیر تقریبی به جهت تقریبی بودن مبانی خاص خود را

دارند در این تحقیق برای مشخص شدن تفاوت‌ها و شباهت‌های این دو تفسیر، مبانی مختص هر کدام بیان می‌شود. مبانی خاص در تفسیر تطبیقی عبارتند از:

۱- وجود اختلاف در تفسیر آیات از حیث مذهب: بیان شد که تفسیر تطبیقی در آیاتی است که

مفسران بر آن اختلاف نظر دارند. این اختلاف می‌تواند از جهات مختلف باشد؛ اما اختلاف مذهب نقش بسزایی در تعدد آرای مفسران دارد. چه مفسران به نامی که هدف و انگیزه تفسیرشان را پاسخ به شبهات مذهب مخالف و ثابت کردن حقانیت مذهب خود دانسته‌اند. (عسکری، ۱۳۹۷، ص ۹۸). از جمله‌ی آن مفسران، شیخ طوسی در التبیان (طوسی، بی تا، ج ۱، ص ۲). و قرطبی در الجامع لاحکام القرآن (قرطبی، ۱۳۵۳، ج ۱، ص ۳). کاشانی در منهج الصادقین فی الزام المخالفین (کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۱، ص ۴) است. در مورد اخیر عنوان کتاب نیز گویای این مطلب است.

۲- حقانیت باورهای خاص مذهبی: هر مفسری با این پیش فرض که مذهب من و دیگر مذاهب چه

سهمی از حقیقت دارند، تفسیر تطبیقی را آغاز می‌کند.

۳- اعتبار منابع خاص تفسیر: مبانی خاص شیعه، عصمت و حجیت سنت ائمه معصوم (علیهم السلام)

و مبانی خاص اهل تسنن، حجیت قول صحابه است. در تفسیر تطبیقی همانند گونه‌های تفسیری دیگر مهم است که مفسر از چه منابعی جهت تفسیر بهره می‌برد (عسکری، ۱۳۹۷، ص ۹۸).

برای مبانی خاص در تفسیر تقریبی مواردی را بیان کرده‌اند که عبارتند:

۱- رسیدن به اتحاد و برادری در پرتو اشتراکات عقیدتی: یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌ی تقریب جهان

اسلام، معارف و اصول مشترک دینی است. مفسر تقریب‌گرا در تفسیر خود با تأکید بر مباحث توحید، نبوت، معاد و فروع آن که فقهاء و دانشمندان دینی به آن ملتزم و متعهد هستند، تلاش برای نزدیک کردن مذاهب مخالف به یکدیگر و رسیدن به اخوت و اتحاد می‌کند (رضوانی و حاجی اسماعیلی، ۱۳۹۹، ص ۹۶).

۲- بیان دیدگاه‌های همه‌ی مذاهب اسلامی: مفسر تقریب‌گرا آرا و دیدگاه‌های تفسیری میان

مذاهب را بدون تعصب و رزی بر مذهب خود بیان می‌کند.

۳- رعایت عدالت و انصاف و داشتن انگیزه حق‌طلبی: مفسر به دنبال رسیدن به حق است و سعی

در غلبه دادن دیدگاه مذهبی خود نیست حتی اگر نظری از مذاهب دیگر نزدیک تر به صواب باشد آن را عنوان می‌کند.

۴- پرهیز از ذکر مباحث اختلافی فتنه‌انگیز: بیان بسیاری از وجوه اختلافی در تفسیر سبب ایجاد آتش کینه و فتنه میان مذاهب می‌شود. مفسر تقریب‌گرا با در نظر گرفتن این مبنا از بیان برخی از اختلافات اجتناب می‌کند. (سروریان وحسینی رامشه، ۱۴۰۰، ص ۵۰).

۵- استفاده از منابع و احادیث خاص مذهب مخالف: بهره‌بردن و معتبر دانستن روایات و منابعی که خاص مذهب مخالف باشد منجر به تقریب و اتحاد میان امت اسلامی می‌شود (قائمی امیری و حسینی بافرانی، ۱۳۹۵، ص ۱۰۲).

از آنجا که مبنا، پایه‌های فکری و عقیدتی مفسر در تفسیر است پس مسلماً برای همراهی و هم‌پوشانی دو تفسیر لازم است که با توجه به شباهت‌ها بتوان مبانی هر دو تفسیر را با هم جمع کرد و یا حداقل میانشان رابطه‌ای ایجاد کرد؛ اما اگر تفاوت‌ها بقدری پررنگ باشد که در مبانی خاص دچار اختلاف و تناقض شوند، امکان همراهی با یکدیگر را نخواهند داشت. در ادامه به بررسی رابطه‌ی مبانی خاص تفسیر تطبیقی و تقریبی با هم پرداخته تا روشن شود، در مبانی می‌توانند کنار یکدیگر بنشینند و یا آنکه همدیگر را رد می‌کنند.

۲-۳-۱. تفاوت‌ها در مبانی خاص تفسیر تطبیقی و تقریبی

در این قسمت مبانی هر دو تفسیر که سازگار با هم نیستند بررسی می‌شود تا از این طریق میزان تفاوت و تضاد در آن‌ها مشخص شود.

۱- تفاوت در تطبیق اختلافات با تقریب اشتراکات

یکی از مبانی در تفسیر تطبیقی «وجود اختلاف در تفسیرآیات از حیث مذهب» بیان شد. این مبنا در مقابل، «مبانی رسیدن به اتحاد و برادری در پرتو اشتراکات عقیدتی» و «مبانی پرهیز از ذکر مباحث اختلافی فتنه‌انگیز» در تفسیر تقریبی است. با توجه به مبانی اخذ شده در این رهیافت مشخص است که مفسر تقریب‌گرا بر خلاف تطبیق که به دنبال بیان اختلاف دیدگاه‌ها می‌باشد، بیشتر تمایل دارد به آیاتی که در آن فریقین اختلاف ندارند و همسو و هم‌جهت هستند پردازد تا بتواند به سهولت به هدفش که نزدیک کردن مسلمانان مذاهب مختلف است دست یابد.

شاید بتوان گفت این بزرگ‌ترین اختلاف و تضاد در این دو تفسیر است به طوری که به نظر می‌آید امکان همراه شدن این دو تفسیر در کنار هم امری محال است؛ زیرا حیطه کاری هر کدام مخالف دیگری است؛ البته این در نگاه نخست است به این جهت که یک مفسر تقریب‌گرای متعادل، به این امر آگاه است که برای رسیدن به

هدف، ناگزیر باید به سراغ تعدد آرای مذاهب نیز رفت؛ اما چگونه پیمودن این مسیر در قسمت روش‌ها به آن پرداخته شده است.

۲- تفاوت در انحصارگرایی مذهبی با عدالت ورزی تقریبی

یکی دیگر از مبانی تطبیقی «حقانیت باورهای خاص مذهبی» گفته شد. اگر مفسر بر این باور باشد که تمام حقانیت متعلق به دیدگاه مذهب اوست و سایر مذاهب در نقطه مقابل و متناقض دیدگاه او هستند ناخودآگاه دیدگاه او جدلی می‌شود؛ زیرا بنا بر پیش فرضی که دارد درصدد اثبات حقانیت مذهب خود و نقد آرای مذاهب دیگر است. در این صورت با مبانی تفسیر تقریبی «بیان آزادانه وجوه تفسیری و دوری از تعصب» (قائم‌امیری و حسنی بافرانی، ۱۳۹۵، ص ۱۰۲). مخالف می‌باشد. همچنین اگر کورکورانه و بدون توجه به رعایت حق تنها هدفش اثبات نظر موافق هم‌مسلكانش باشد با مبانی تقریبی «رعایت عدالت و انصاف و داشتن انگیزه حق طلبی» (سروریان، ۱۴۰۰، ص ۵۰). نیز مخالف و در تقابل قرار می‌گیرد.

چنانچه رشید رضا در تفسیر المنار در ذیل آیه مباحله با تعصب‌ورزی برحقانیت مبانی خود تمام احادیث که شأن نزول این آیه را حضرت علی (ع)، حضرت فاطمه (س)، امام حسن (ع) و امام حسین (ع) می‌دانند را جعلی دانسته و رد کرده است و مصادر آن را کتاب‌های شیعه می‌داند و می‌گوید، ص «تا توانستند در ترویج این کوشیدند؛ به طوری که در بسیاری از اهل سنت نیز رایج شد.» (رشید رضا، ۱۹۹۰، ج ۳، ص ۲۶۵). علامه جوادی آملی در جواب او می‌گوید، ص «اولاً روایات داستان مباحله، معتبر است و شیعه و سنی آنها را نقل کرده‌اند و در صحیح مسلم و بخاری نیز آمده است؛ اگر «مسلم» و «بخاری» را شیعه می‌دانید، پس تسنن دیگر باید رخت بربندد و چنانچه بگوئید روایات این دو را شیعه جعل کرده است، دیگر برای شما سندی نمی‌ماند، زیرا مهم‌ترین سند شما که همین دو کتاب است، بی اعتبار می‌شود. ثانیاً مراد و انگیزه شیعه از نقل داستان مباحله، عمل به تقلید است.» (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۴، ص ۴۸۴). بنابراین پابندی بر حقانیت مذهبی در صورتی که با تعصب و گرایش جدلی همراه باشد سبب نادیده گرفتن انصاف و عدالت در برابر نظرات صحیح سایر مذاهب است.

۲-۳-۲. شباهت‌ها در مبانی خاص تفسیر تطبیقی و تقریبی

در این قسمت مبانی هر دو تفسیر که سازگار با هم می‌باشند بررسی می‌شود تا از این طریق میزان هم‌پوشانی و همراهی در آن‌ها مشخص شود.

۱- پیوند تطبیق و تقریب با تفسیر حق محوری و فرامذهبی

اگر محقق در مبانی تطبیقی خود بدون تعصب و ورزی تنها به دنبال یافتن نظر صحیح و حق باشد و با این پیش فرض که امکان دارد آرای مذهب مخالف حداقل در بعضی موارد صحیح تر و نزدیک تر به واقعیت باشد، شروع به بررسی نظر مفسران کند در این حالت دیگر با مبانی تفسیر تقریبی که گفته شد در تقابل نیست؛ بلکه همسو و هم جهت است.

چنانچه طبری در ذیل آیه غار بدون تعصب و ورزی بر آرای مذهبی، حق را به مذهب مخالف خود می دهد و بازگشت ضمیر «ه» در «فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ؛ در این موقع خداوند سکینه (و آرامش) خود را بر او فرستاد» (توبه/۴۰). را نه بر ابوبکر بلکه به پیامبر (ص) می داند (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۰، ص ۹۶). بالاتر اینکه اگر مبانی تطبیقی محقق دست یافتن به حق با هدف نزدیک کردن مذاهب باشد در این صورت می توان ادعا کرد که تفسیر تطبیقی همان تفسیر تقریبی است و این امری ممکن است همان طور که دانشمند قرآن پژوه علامه محمد هادی معرفت در کتاب تفسیر «التفسیر الاثری الجامع» این کار را محقق کرده است. رضایی اصفهانی اثر او را نوعی تفسیر مقارنه ای، تطبیقی و تقریبی دانسته است. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۳، ص ۱۱۰). عسکری تطبیقی بودن این تفسیر را از روش جدا سازی روایات فریقین و بررسی یک جای آن دانسته است. (عسکری، ۱۳۹۷، ص ۷۵). رویکرد تقریبی در این اثر گرانسنگ نیز در جای جای کتاب نمایان است. بعضی حتی بارزترین رویکرد تقریبی او را در انتخاب عنوان کتابش می دانند؛ زیرا واژه ی «اثری» قول صحابه و تابعین را شامل می شود و توجه به حجیت قول آنها دارد به این سبب بیشتر در کتب تفسیری اهل تسنن استعمال می شود. آیت الله معرفت در واقع با برگزیدن این عنوان از یک سو سبب تقریب مذاهب شده است و از سوی دیگر، روایات معصومان (ع) را به جامعه اهل سنت رسانده است (قمر زاده، ۱۳۹۹، ص ۲۴۴).

۲- بکاربردن منابع خاص مذاهب مخالف در تفسیر

«اعتبار منابع خاص تفسیر» یکی دیگر از مبانی تفسیر تطبیقی است که بیان شد. محقق با گرایش تقریبی نیز، همچنین در مبانی خود سهمی از اعتبار برای منابع خاص مذهب مخالف قائل است. چنانچه ثعلبی که یک مفسر در سده های نخستین است به زعم بعضی تفسیرش با رویکرد تقریب و پرهیز از اختلاف افکنی است به خصوص که در منطقه نیشابور که طرفداران اهل بیت (ع) در آن منطقه بودند سکونت داشته است. او با حفظ هویت شافعی - اشعری خود احادیث کثیری از ائمه اطهار (ع) نقل کرده است که در بعضی موارد اولین قائل و متفرد است به همین دلیل کسانی چون ابن تیمیه به او تاخته اند (سروریان، ۱۴۰۰، ص ۶۱).

به عنوان نمونه او در ذیل آیه «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى؛ بگو من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی‌کنم جز دوست داشتن نزدیکیانم» (شوری/۲۳). احادیثی دال بر عظمت و مقام اهل بیت(ع) می‌آورد که بعضی از آنها از قول امامان معصوم (ع) است. (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۸، ص ۳۱۰) شیخ شلتوت یکی دیگر از عالمان تقریب‌گرا است در تفسیر خود در مورد حدیث ثقلین صریحاً بیان می‌کند «طرق این حدیث (ثقلین) متعدد است و در بعضی از آنها آمده: «کتاب خدا و عترتم، بی شک سنت همان چیزی است که پیامبر(ص) و عترت طاهرینش بر آن بوده‌اند.» (شلتوت، ۱۳۷۹، ص ۱۲۹). بعضی از این سخن نتیجه گرفته‌اند که شیخ الازهر میان دو طریق حدیث ثقلین (کتاب الله و سنتی یا کتاب الله و عترتی) جمع کرده‌است و به همه‌ی مسلمانان اعلام می‌کند که در حقیقت این دو یک چیز هستند و سنت از طریق اهل بیت (ع) ثابت می‌شود. (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۰). در واقع شیخ شلتوت همان اعتباری که شیعه برای اهل بیت رسول الله(ص) قائل است را می‌پذیرد.

از طرف دیگر آیت الله معرفت که یکی از بزرگان تقریب است در مقدمه کتاب التفسیر الاثری الجامع، ترتیب منابع تفسیر خود را ابتدا قرآن سپس روایات حضرت رسول(ص) و بعد از آن روایات صحابه و تابعین که در رأس آنها ائمه معصوم(ع) می‌باشند بیان کرده است (معرفت، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۱۲۴۸). اکثر مفسران شیعه نیز هرچند قول صحابه را حجت نمی‌دانند اما به عنوان مؤید از آن استفاده کرده‌اند. در کتب تفسیری جامع البیان و مجمع البیان به طور وسیع روایات صحابه و تابعین نقل شده‌است. (ر.ک: ایرانی، ۱۳۷۱، ص ۱۳۷؛ موسوی دره‌بیدی و احمد نژاد، ۱۴۰۱، ص ۳۳۶).

با این بررسی‌ها روشن شد که تناقض در مبانی خاص تفسیر تطبیقی و تقریبی جایی است که در تطبیق بر اختلافات و در تقریب بر نادیده انگاشتن آنها تاکید می‌شود و یا در تفسیر تطبیقی با تعصب‌ورزی بر حقانیت باور مذهبی سبب تقابل با رهیافت تقریبی شود. (در ادامه مقاله این دو تناقض پاسخ داده می‌شود) این در حالی است که در سایر مبانی دو تفسیر یکدیگر را هم‌پوشانی و همراهی می‌کنند تا به بهترین و کامل‌ترین وجه به اهداف خود دست یابند.

۲-۴. مقایسه در روش

در هر تفسیری، متناسب با هدف و مبنای آن، یک مجموعه قواعد و ضوابط، حاکم بر آن تفسیر است که مسیر راه را تبیین و مشخص می‌کند. در این قسمت سعی شده‌است روش این دو تفسیر با هم مقایسه شود و تفاوت‌ها و شباهت‌های آن دو بیان گردد.

الف- روش تفسیر تطبیقی: تفسیر تطبیقی را به دو حوزه‌ی نقل و نقد تقسیم کرده‌اند. حوزه نقل دیدگاه‌ها شامل سه مرحله است:

۱- **تعیین محدوده تطبیق:** در گام آغازین تطبیق محدوده مشخص می‌شود. معمولاً دامنه تطبیق از جهاتی چون تعداد تفسیرها، تعداد آیات، موضوع و... تعیین می‌شود.

۲- **تبیین وجوه تمایز دیدگاه‌های تفسیری:** اختلاف نظرات مفسران از جهات مختلف مشخص می‌شود.

۳- **نقل وجوه تشابه دیدگاه‌های تفسیری:** گاهی در تفسیر یک آیه نکته‌های مشابه وجود دارد که نقش مهمی در برگزیدن گرایش و نتیجه‌گیری از تطبیق دارد. درحوزه نقد نیز ملاک و ابزارهای داوری بیان شده‌است:

۱- **داوری بر اساس مبانی مشترک:** اگر محقق در تطبیق به دنبال اقتناع همه خوانندگان اعم از شیعه و سنی باشد باید با براساس مبانی مشترک درصدد گزینش قول صحیح باشد.

۲- **داوری بر اساس مبانی خاص:** داوری بر اساس مبانی مذهب، یا گرایش خاص تفسیر پژوه است. حجیت داشتن روایات مختص، اثرگذارترین مبنای خاص در تفسیر تطبیقی می‌باشد.

۳- **ابزارهای داوری که خود شامل:** عقل، لغت، نحو، تاریخ، روایت و سیاق می‌شود. (عسکری، ۱۳۹۷، ص ۱۱۵).

ب- روش تفسیر تقریبی: به سبب عدم کتاب مدون در تفسیر تقریبی، روش مشخصی بیان نشده‌است، اما با در نظر گرفتن مجموع نظرات تقریب گراها و محققین می‌توان چهار روش در مواجهه با اختلافات و تعدد آرای مذهبی مفسران معرفی کرد:

۱- **روش سکوت و عدم بیان تمام حق:** دو قسم است، قسم اول از بیان اختلافات اجتناب می‌کند و با سکوت از کنار آنها می‌گذرد. قسم دوم اختلافات را بیان می‌کند؛ اما از اظهار نظر در مورد آنها خودداری می‌کند. بعضی روش تقریبی طبری در مواجهه با آرای شیعه را این چنین دانسته‌اند؛ زیرا او یا نظرات شیعه را نقل نمی‌کند و یا اگر نقل کند بدون اظهار نظر از آن می‌گذرد. (عسکری ۱۳۹۷، ص ۱۰۷). نمونه بارز آن در تفسیر طبری ذیل آیه تطهیر (احزاب/ ۳۳) می‌باشد (طبری، ۱۴۱۲، ج ۵، ص ۲۲). همچنین مغنیه در تفسیر کاشف در ذیل آیه اکمال با توضیح اینکه شیعه با اکثر اهل سنت در تفسیر این آیه اختلاف نظر دارد، خود را تنها بیان کننده این نظرات می‌داند و قضاوت را به عقل خواننده واگذار کرده‌است. (مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۳، ص ۱۳).

۲- روش تبیین و روشنگری: در این روش مفسر به دنبال بیان و تبیین تمام نظرات مذاهب مختلف است تا علاوه بر روشن شدن مواضع مختلف، به ادعاهای بی اساس درباره ی یکدیگر پایان دهد. (اقبال، ۱۳۸۷، ص ۱۱۶). این روش خود شامل شیوه‌هایی است. که عبارتند از:

الف- ادبیات ملایم: در تاریخ تفسیر موارد بسیاری بوده است که مفسر نظر مخالف را تاب نیاورده است و منجر به اهانت افراد مورد احترام در سایر مذاهب شده است که موجب عدم اقبال و استقبال سایر مذاهب می شود. به عنوان نمونه در تفسیر فخر رازی و آلوسی به شیعیان نسبت‌های ناروا داده شده است. (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۶، ص ۵۱: آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۲۹۱). در حالی که یک مفسر تقریب‌گرا با ادبیات قابل قبول به بیان نظرات می‌پردازد تا بدون آشفتگی ایجاد کردن و در فضایی کاملاً آرام و علمی به نظر حق دست پیدا کند. نمونه بارز آن را می‌توان از زبان شیخ شلتوت بیان کرد. او در مقدمه تفسیر مجمع البیان، نویسنده آن را به جهت آن که اخلاص خود را در طرز تفکر علمی به کار برده و بر عواطف و احساسات مذهبی غالب گردیده است و مخالف خود و مذهبش را مورد حمله قرار نداده، می‌ستاید. (شلتوت، ۱۳۷۷، ص ۲۳۲).

ب- عدم نقل احادیث مذمت و اشکال بر خلفاء: با نگاهی اجمالی بر تفاسیر اهل تسنن این نکته به دست می‌آید که اغلب این مفسران حتی کسانی که رویکرد تقریب‌گرا دارند نسبت به آیه غار و فضیلت داشتن این آیه برای خلیفه اول تعصب دارند و نظر مخالف را بر نمی‌تابند و سخت‌ترین و تندترین واکنش‌ها را نشان داده‌اند. بنابراین یک مفسر تقریب‌گرا چون شیخ طبرسی در ذیل آیه غار (توبه/۴۱). از آوردن نظرات شیعه خودداری می‌کند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۴۹).

ج- تبیین پلکانی: در این شیوه با نرمش و گام به گام حقیقت تبیین می‌شود و در انتها قولی آورده می‌شود که اگر ابتدای بحث بیان می‌شد مقبول مخاطب مذاهب دیگر نبود. علامه معرفت در تفسیر خود در ذیل آیه «*اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ*» (حمد/۶). از این شیوه استفاده می‌کند (معرفت، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۳۸۵).

د- طرح پرسش: در این روش طرح سؤالات منطقی و هدفمند به نحوی صورت می‌گیرد که خواننده به سمت پذیرش نظر مفسر هدایت می‌شود. واضح است که مفسر قبل از طرح سؤال باید مقدمات بحث را به صورتی بچیند که با پرسیدن سؤال مخاطب معترف به جواب مورد نظر مفسر شود. معرفت از این شیوه نیز در تفسیر خود در مورد در قرائت «مالک» بهره برده است. (همو، ج ۱، ص ۲۷۷).

۳- روش تفکیک کردن: مبدع این روش را می‌توان آیت الله العظمی بروجردی دانست. آیت الله واعظ زاده که یکی از شاگردان این مرجع عالی قدر بوده است از قول ایشان نقل می‌کند: «شیعه در عصر حاضر تنها بر

مرجعیت علمی اهل بیت(ع) تأکید کند و از طرح کردن مسأله خلافت علی(ع) و خاندانش سکوت کند... آنچه امروز مورد نیاز است و همه‌ی مسلمانان بدان نیاز دارند این است که بدانند احکام را از چه مآخذی أخذ کنند.»(معزالدين، ۱۳۷۴، ص ۲۷۵).

شاگردان آیت الله بروجردی و مدافعان تقریب، این نظر را بسط و توضیح داده‌اند که اهل سنت، واقعیت تاریخ اسلام را (تا پایان عصر خلفای راشدین) به همین صورت اتفاق افتاده می‌پذیرند و به تمام صحابه‌ی پیامبر اکرم(ص) احترام می‌گذارند و تغییر تاریخ گذشته امکان ندارد. پس به جای اینکه اختلافات مذهبی و عقیدتی را شمشیر بران کرده می‌توان با تفکیک کردن مسئله اختلافی خلافت و زعامت دنیوی امیرالمومنین(ع) از مسئله مرجعیت علمی ائمه(ع) که نیاز جامعه مسلمانان است؛ سایر مذاهب را نیز در پای سفره سیره و احادیث اهل بیت(ع) نشانده(بی‌آزار شیرازی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۲؛ تسخیری، ۱۳۹۱، ص ۹؛ اقبالی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۰؛ قمرزاده، ۱۳۹۹، ص ۲۴۳). روش تفکیکی نیز دارای وجوه می‌باشد.

الف - نقل روایات معصومین(ع) با استناد به کتب تفسیری اهل تسنن: با این شیوه علاوه بر نشان دادن جایگاه علمی و معرفتی اهل بیت(ع) در میان مفسران و دانشمندان مذاهب دیگر، هدف تفسیر تقریبی که نزدیک کردن مذاهب به یکدیگر است نیز محقق می‌شود. دو مفسر عالی قدر تشیع، شیخ طوسی و شیخ طبرسی از این شیوه بهره برده‌اند. (طوسی، بی‌تا، ج ۵، ص ۱۲۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۸۳۶).

ب - پرهیز از وارد شدن به بحث‌های جدلی فریقین در مورد اثبات جانشینی ائمه(ع) بعد از حضرت رسول(ص): به عنوان نمونه در ذیل آیه تبلیغ معمولاً مفسران شیعه بحث‌های کلامی و روایی گسترده‌ای برای اثبات جانشینی حضرت علی(ع) دارند و در تقابل آن مفسران اهل تسنن در رد آن دلایل تلاش کرده‌اند که حاصل این کنش و واکنش‌ها، عناد و ستیزه جویی بین مذاهب اسلامی شده‌است؛ اما مغنیه در ذیل آیه تبلیغ (مائده ۶۷) تنها این اختلاف و دیدگاه‌ها را مختصر توضیح می‌دهد. (مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۳، ص ۹۸).

ج - ذکر نام اهل بیت(ع) در کنار صحابه و تابعین: توضیح این که بنابر نظر علماء اهل سنت روایات صحابه و در بعضی موارد تابعین حجت است و بعد از قرآن و سنت رسول اکرم(ص) معتبرترین منبع تفسیر است. (ذهبی، بی‌تا، ص ۹۴). به این جهت در میان عالمان حدیث، یکی از قواعد رجالی دسته بندی راویان متناسب با درک حضور دوران زندگی مبارک پیامبر اکرم(ص) است. در کتب رجالی و روایی اهل تسنن به غیر از نام ائمه معصوم(ع) که در ردیف صحابه آمده است نام امام زین العابدین(ع) و امام محمد باقر(ع) در زمره تابعین قرار گرفته‌است. (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۱۶۳). قدماء مفسران شیعه چون شیخ طوسی و شیخ طبرسی از این

قاعده اهل تسنن تبعیت کرده‌اند و نام امام علی (ع) و امام حسن مجتبی (ع) را در ردیف صحابه و نام امام چهارم و پنجم را در ردیف تابعین آورده‌اند. (طوسی، بی‌تا، ص ۳، ۶۴).

د- پرهیز از نقل روایات مربوط به باطن قرآن: مغنی یکی از مفسران تقریب‌گرا است که از بیان روایاتی که بطن است و بیشتر به جایگاه ولایت و فضایل ائمه معصوم (ع) اشاره دارد اجتناب می‌کند. بعضی اذعان دارند که مغنی به سبب شاذ بودن این دست روایات و عدم ارتباط و سیاق بین آیات و مخالف بودن با روایات صحیح و قول کثیر از نقل آن‌ها اجتناب کرده‌است (رضوانی و حاجی اسماعیلی، ۱۳۹۹، ص ۱۰۴).

۴- روش تلفیقی (تبیینی تفکیکی): این روش از ترکیب دو روش فوق پدید آمده است. برخی معتقدند مفسران معاصری چون آیت الله معرفت مبدع این روش هستند (قمرزاده، ۱۳۹۹، ص ۲۵۴).
با توجه به این مطالب در ادامه شباهت‌ها و تفاوت‌های این دو تفسیر از حیث روش بررسی می‌شود تا مشخص شود روش تفسیر تطبیقی با کدام روش تفسیر تقریبی همراهی و با کدام تناقض دارد.

۲-۴-۱. تفاوت‌ها در روش تطبیقی و روش تقریبی

در این قسمت روش‌های هر دو تفسیر از جهت تفاوت‌ها بیان می‌شود تا این مطلب بدست آید که آیا با وجود این اختلافات می‌شود این دو تفسیر از حیث روش در کنار هم قرار بگیرند؟

الف- بیان وجوه تمایز با روش سکوت: در تفسیر تطبیقی در قسمت نقل، تفاوت دیدگاه‌های مفسران مشخص می‌شود. مفسر تقریب‌گرا اگر از روش سکوت (قسم اول) در برابر اختلافات بهره‌گیرد؛ از کنار اختلافات بدون هیچ بیانی گذر می‌کند و یا تمام حقایق را بیان نمی‌کند تا به زعم خود به اختلافات دامن نزند. در این صورت تفسیر تطبیقی و تقریبی در مقابل هم و دو امر کاملاً متفاوت می‌شوند؛ زیرا یکی به دنبال یافتن اختلاف و بیان آن است و دیگری درصدد پوشاندن و نادیده گرفتن آنها است.

ب- بیان شباهت‌ها با رهیافت جدلی: مرحله بعد در تفسیر تطبیقی در قسمت نقل، بیان وجوه تشابه میان دیدگاه‌های مفسران است. در این قسمت اگر مفسر در تطبیق رویکرد جدلی داشته باشد کمتر به این وجوه می‌پردازد و بیشتر اهتمام خود را صرف پیدا کردن تفاوت‌ها می‌کند.

ج- پذیرش مبانی خاص در داوری: اگر مفسر مبانی خاص را بپذیرد حداقل در مواردی که مبانی حجیت داشتن روایات مختص، دلیل اختلافات مذهبی باشد، امکان همراهی با تفسیر تقریبی از روش تفکیکی و تبیینی نمی‌باشد. عسکری معتقد است که اغلب داوری‌ها در تفسیر تطبیقی بر اساس مبانی خاص مذهب محقق

انجام می‌شود بخصوص هنگامی که سعی در رد و نادیده گرفتن روایات مذهب مخالف داشته باشد. (عسکری، ۱۲۰، ص ۱۳۹۷). که مصادیق بارز آن در آیات مربوط به ولایت و امامت می‌توان دید.

۲-۴-۲- شباهت‌ها در روش تطبیقی و روش تقریبی

در این قسمت روش‌های هر دو تفسیر که سازگار با هم می‌باشند بررسی می‌شود تا از این طریق میزان هم‌پوشانی و همراهی در آن‌ها مشخص شود.

الف- بیان وجوه تمایز با روش تبیین و تفکیکی: در حوزه نقل برای بیان تمایزات اگر مفسر تقریبی از روش تبیین و روشنگری استفاده کند همانند مفسر تطبیقی تمام اختلافات را بیان و تبیین می‌کند پس در این حالت هر دو همانند هم عمل می‌کنند و اگر از روش تفکیک کردن بهره‌گیر در تمام موارد می‌توان تطبیقی با رویکرد تقریبی تفکیکی کار کرد مگر قسمتی که اختلاف بر سر خلافت و جانشینی سیاسی امام علی (ع) است.

ب- بیان شباهت‌ها با رویافت تقریبی: در قسمت نقل شباهت‌های دیدگاه‌ها، اگر تفسیر پژوه رویکرد تقریبی داشته باشد تفسیر تطبیقی با هر یک از سه روش تقریبی کاملاً منطبق بر هم می‌شوند.

ج- پذیرش مبانی مشترک در داوری: محقق در حوزه داوری بر اساس مبانی مشترک در تفسیر تطبیقی؛ رویکرد تقریبی دارد و از همه‌ی روش‌های تقریبی می‌تواند استفاده کند. در نتیجه دو تفسیر تطبیقی و تقریبی هم‌پوشانی دارند.

پس اگر مفسر در تطبیق مبانی مشترک را بپذیرد با تمام وجوه تقریب همراهی و هم‌پوشانی دارد و اگر مبانی خاص را برگزیند و گرایش تقریبی داشته باشد بسیار سخت می‌تواند رویکرد خود را حفظ کند ولی غیر ممکن نیست و بهره‌گرفتن از روش تبیین و روشنگری و وجوه آن می‌تواند در همراهی تقریبی با تطبیقی در اینجا گره‌گشا باشد.

۲-۵. مقایسه در آسیب‌ها

تفسیر تطبیقی در بعضی مواقع می‌تواند منجر به آسیب‌های شود؛ از جمله اینکه به اختلافات دامن بزند. هنگامی این آسیب رخ می‌دهد که محقق با پای‌بندی به مبانی مختص مذهب خود و تعصب‌ورزی و گرایش مذهبی و جدلی دست به تطبیق بزند. تفسیر تقریبی نیز در بعضی مواقع می‌تواند آسیب تفرقه و کینه میان مذاهب مختلف باشد. توضیح اینکه در میان پیروان تقریب، دیدگاه‌های مختلفی مطرح است. برخی صاحب‌نظران این دیدگاه‌ها را بیان کرده‌است:

۱- گزینش مذهب معیار: بعضی منظور از تقریب در میان مذاهب متعدّد اسلامی را يك مذهب به عنوان اصل و معیار سنجش می‌دانند که مذاهب دیگر باید خود را با آن هم‌آهنگ کنند. در حالی که چنین بینشی

صحیح نیست؛ زیرا پیروان هر يك از مذاهب اسلامی مذهب خود را مذهب برتر و معیار سنجش می‌دانند. چنین دیدگاهی به تقریب نه تنها به وحدت مسلمین نمی‌انجامد؛ بلکه منجر به زمینه‌نزع مذهبی و اختلاف بیش از پیش آن‌ها می‌شود.

۲- وانهادن و سکوت در مسائل اختلافی: بعضی دیگر مقصود از تقریب را از یاد بردن و نادیده گرفتن مسائل اختلافی و تأسیس مذهبی نوین بر پایه‌ی مشترکات مذاهب اسلامی بیان کرده‌اند؛ اما این نظریه نیز غیر قابل قبول و دچار تناقضی آشکار می‌باشد. نادیده گرفتن پاره‌ای از عقاید و احکام اسلامی به خاطر تقریب مذاهب در حقیقت تخریب مذاهب است.

۳- آزادی در گزینش هر يك از مبانی و دیدگاه‌های مذاهب: به این صورت که هر مسلمانی در انتخاب هر يك از مذاهب اسلامی آزاد باشد و در هر مسأله‌ای به هر کدام از مذاهب که خواست رجوع کند. اگر گرایش به هر يك از مذاهب بر پایه‌ی سلیقه شخصی انجام گیرد. هرج و مرج مذهبی ایجاد می‌شود که نتایج زیان بار بسیاری برای فرد و جامعه به دنبال دارد.

۴- ملاحظات و مصلحت اندیشی‌های سیاسی: به این معنا که شرایط فعلی جهان اسلام، پرهیز از تنش و ایجاد وحدت مسلمین را به عنوان امری عرضی می‌طلبد. در این حالت، تقریب مذاهب با تغییر احتمالی شرایط منطقه و جهان، ضرورت خود را از دست می‌دهد و باعث بازگشت به تفرقه و از دست دادن وحدت می‌شود.

۵- گفت‌وگوی صحیح و سازنده: این صحیح‌ترین دیدگاه است. در این مسئله نباید منشأ تنش را نادیده گرفت؛ بلکه باید مستقیماً با آن مواجه شد؛ زیرا مقصود از تقریب، تعامل علمی و عملی مذاهب اسلامی بر مبنای مشترکات و احترام متقابل و عاری از احساس نفرت و تعصبات غیرمنطقی و دور از روشی عوامانه است. (مطهری، ۱۴۰۱، ص ۹؛ فخلعی، ۱۳۸۷، ص ۱۶؛ دارابی، ۱۳۸۹، ص ۱۱). کسانی چون محد تقی قمی که از داعیه‌داران تقریب بودند اختلاف مذاهب را انکار نکردند بلکه اختلاف را طبیعت اندیشه و اقتضای سنت‌های جامعه دانسته‌اند. (قمی، ۱۳۸۹، ص ۲۰۳).

همان‌طور که ملاحظه شد هر دو تفسیر با تمام تفاوت‌هایی که دارند اگر در مسیر و روش صحیح تعریف و اجرا نشوند یک آسیب به بار می‌آورند. بنابراین برای مصون ماندن از آسیب‌ها باید تفسیر تطبیقی را با رهیافت تقریبی که بر پایه‌ی گفت‌وگوی سازنده است، استفاده کرد. پس نه تنها آن دو تفسیر با هم تناقض ندارند؛ بلکه با بکارگیری روش‌ها و شیوه‌های مناسب تطبیق و تقریب، با هم هم‌پوشانی و همراهی دارند.

نتیجه گیری

با توجه به مقایسه و بررسی تفاوت‌ها و شباهت‌ها که از جهات جایگاه تفسیری، هدف، مبنا، روش و آسیب بین تفسیر تطبیقی و تقریبی صورت گرفت، می‌توان گفت تفسیر تطبیقی تقریبی نه تنها اصطلاح متناقض‌نما نیست؛ بلکه برای رسیدن به تطبیق و تقریب مصون از آسیب، الزاماً باید این دو تفسیر در کنار هم استفاده شوند؛ زیرا تطبیق با گرایش مذهبی به سمت تعصب‌ورزی و نادیده گرفتن نظرات صحیح سایر مذاهب و اهانت و نسبت‌های ناروا می‌رود که با اهداف تعریف شده تفسیر تطبیقی مخالف است و در این حالت، قطعاً با تفسیر تقریبی در تناقض است. از طرفی رویکرد تفسیر تقریبی، تمام آیات قرآن را در برمی‌گیرد و بیشتر اهتمام بر روی اشتراکات مسلمانان دارد. یک مفسر تقریب‌گرای افراطی به سراغ آیاتی که تعدد آرای مذهبی دارد نمی‌رود تا به زعم خود گرفتار تفرقه و نفاق نشود و در این حالت نیز قطعاً با تفسیر تطبیقی متفاوت هستند؛ اما یک تقریب‌گرای متعادل، می‌داند که راه برون رفت از اختلافات مذهبی و جدایی و تفرقه مذاهب ابتدا پذیرفتن این اختلافات و در مرحله بعد بررسی علمی و تخصصی آن‌ها با تکیه بر مشترکات است، که در این راه از روش‌ها و شیوه‌هایی که با تفسیر تطبیقی هم‌پوشانی می‌کنند بهره می‌گیرد. پس تفسیر تطبیقی با رویکرد تقریبی بهترین روش برای تمیز دادن نظر صحیح‌تر به جهت تقریب مذاهب است.

منابع

۱. قرآن کریم، مترجم ناصر مکارم شیرازی.
۲. آذرشب، محمد علی. (۱۳۹۱ش). پیشینه تقریب. تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
۳. آلوسی، محمد بن عبدالله. (۱۴۱۵ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی. بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محد علی بیضون.
۴. ابن سعد، محمد بن سعد. (۱۴۱۰). الطبقات الکبری. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم. (بی تا). لسان العرب. بیروت: دارالفکر.

۶. اقبالی، محمد طاهر. (۱۳۸۷ش). «برداشت های مختلف از تقریب مذاهب اسلامی». طلوع، ۲۶، ۱۱۳-۱۳۰.
۷. بی آزارشیرازی، عبد الکریم. (۱۳۸۵ش). شیخ محمود شلتوت طلایه دار تقریب در عقاید، تفسیر، حدیث، فقه مقارن و همبستگی مذاهب اسلامی». تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
۸. بهادری جهرمی، روح الله. (۱۳۹۷ش). «مبانی تفسیر تقریبی». فصلنامه علمی-تخصصی مطالعات مقارنه ای مذاهب اسلامی (۲)، ۴۸-۲۵.
۹. تسخیری، محمد علی. الف (۱۳۹۱ش). رسالت ما تقریب در اندیشه، وحدت در عمل. تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
۱۰. تسخیری، محمد علی. ب (۱۳۹۱ش). وحدت اسلامی بر پایه مرجعیت علمی اهل بیت (علیهم السلام). تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
۱۱. جلالیان، حبیب الله. (۱۳۷۸ش). تاریخ تفسیر قرآن کریم. تهران: اسوه
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۹ش). تفسیر تسنیم. اسراء
۱۲. جمعی از اندیشمندان. (۱۳۹۰ش). راهکارهای اندیشه‌ای و کاربردی تحقق تقریب مذاهب اسلامی. تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
۱۳. طیب حسینی، سید محمود و دیگران. (۱۴۰۲ش). «تفسیر تطبیقی، اغراض و منافع». دو فصلنامه علمی مطالعات تفسیر تطبیقی ۱۶ (۲)، ۳۲-۵۹، <https://doi.org/10.22034/csqa.2023.190593>
۱۴. طیب حسینی، سید محمود؛ مرتضوی، سید ابراهیم، (۱۴۰۳ش). «تفسیر مذهبی: چیستی، تشابه و تمایز با تفسیر تطبیقی». پژوهش‌های تفسیر تطبیقی ۱۰ (۱)، ۱۳۹-۱۶۲، <https://doi.org/10.22091/ptt.2024.9170.2215>
۱۵. دارابی، بهنام. (۱۳۸۹ش). «آسیب شناسی راهکارهای تقریب مذاهب و وحدت اسلامی». مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی (فروغ وحدت) ۲۰، ۷-۱۶.
۱۶. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۹۰ش). لغت نامه. تهران: دانشگاه تهران.
۱۷. ذهبی، محمد حسین. (بی تا). التفسیر و المفسرون. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۸. رشید رضا، محمد. (۱۹۹۰م). تفسیر المنار. بی جا: الهيئة المصرية العامة للكتاب.
- روحی دهکردی؛ تجری، محمد علی. (۱۳۹۴ش). «اصطلاح شناسی مبانی تفسیر». پژوهشهای قرآنی ۷۷ (۴)، ۹۴-۱۱۷.

۱۹. رضایی اصفهانی، محمد علی. (۱۳۸۲ش). درسنامه روشها و گرایش های تفسیری قرآن. قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
۲۰. رضایی اصفهانی، محمد علی. (۱۳۸۳ش). «سبکی نوین در تفسیر روایی روش شناسی کتاب تفسی الاثری الجامع». بینات (۴۴)، ۱۰۸-۱۳۵.
۲۱. رضوانی، مصطفی؛ حاجی اسماعیلی، محمد رضا. (۱۳۹۹ش). «مؤلفه ها و شواهد تقریب در تفسیر الکاشف مغنیه». پژوهش نامه قرآن و حدیث ۲۷، ۹۱-۱۱۴.
- <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.20080417.1399.14.27.4.4>
۲۲. رومی، فهد بن عبد الرحمن. (۱۴۱۹ق). بحوث فی اصول التفسیر و مناهجه. ریاض: مکتبته التوبه.
۲۳. سروریان، حمید رضا؛ رامشه، سید سعید حسینی. (۱۴۰۰ش). «بررسی امکان سنجی تفسیر تقریبی با مرور بر تفاسیر سنی نگاشت طبری، ابن ابی حاتم، ابن منذر و ثعلبی (مطالعه موردی، ص اهل بیت (ع))». دو فصلنامه علمی مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی (فروغ وحدت) ۵۵، ص ۴۸-۶۲.
- <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.22520678.1400.16.55.4.5>
۲۴. سیاوشی، کرم و ندا سلیمانی فر. (۱۳۹۴ش). «راهکارهای تقریب مذاهب در سیره و گفتار امام رضا (ع)». مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی (۱۰)، ۷۳-۸۴.
۲۵. شاکر، محمد کاظم. (۱۳۸۲ش). مبانی و روش های تفسیری. قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
۲۶. شرف الدین، عبدالحسین. (۱۴۲۳ق). الفصول المهمة فی تالیف الأمة. تهران: المجمع العلمی للتقریب بین المذاهب الاسلامی.
۲۷. شلتوت، محمود. (۱۳۷۷ق). «تقدیم لکتاب مجمع البیان» رساله الاسلام (۳)، ۲۲۹-۲۴۱.
۲۸. شلتوت، محمود. (۱۳۷۹ش). تفسیر القرآن الکریم. تهران: المجمع العالمی للتقریب بین المذاهب الاسلامیه.
۲۹. شلتوت، محمود. (۱۳۸۱ق). «انباء و آراء». رساله الاسلام (۲)، ۲۱۸-۲۲۱.
۳۰. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲ش). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: ناصر خسرو.
۳۱. طبری، محمد بن جریر. (۱۴۱۲ق). الجامع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دارالمعرفه.
۳۲. طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۳. عسگری، انسیه؛ شاکر، محمد کاظم. (۱۳۹۴ش). «تفسیر تطبیقی؛ معنایابی و گونه شناسی» دو فصلنامه دانشگاه قم (۱)، ۹-۳۲. <https://doi.org/10.22091/ptt.2015.588>

۳۴. عسگری، انسیه. (۱۳۹۷ش). جریان شناسی تفسیر تطبیقی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۳۵. فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ق). التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۶. فخلعی، محمد تقی. (۱۳۸۷ش). آشنایی با تقریب مذاهب اسلامی. تهران: مشعر.
۳۷. قائمی امیری، زهرا؛ حسنی بافرانی، طلعت. (۱۳۹۵ش). «بررسی رویکرد تقریبی مغنیه در تفسیر الکاشف». فصلنامه علمی تخصصی معارف اسلامی (۳)، ۱۲۰، ۹۵-۱۱۶.
۳۸. قربان زاده، محمد؛ رستمی، محمد حسین. (۱۳۹۱). «گستره گرایشهای تفسیری». آموزه های قرآنی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی (۹)، ۱۵، ۱۷۲-۱۵۵.
۳۹. قرطبی، محمد بن احمد. (۱۳۵۳ق). الجامع لاحکام القرآن. قاهره: دار الکتب المصریه.
۴۰. قمر زاده، محسن. (۱۳۹۹ش). «بررسی رویکرد تقریبی محمد هادی معرفت با تاکید بر تفسیر الاثری الجامع». پژوهش نامه مذاهب اسلامی (۷)، ۱۴، ۲۳۸-۲۵۹.
- <https://doi.org/10.22034/jid.2021.113807.1501>
۴۱. قمی، محمد تقی. (۱۳۸۹ش). سرگذشت تقریب یک فرهنگ؛ یک امت. تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
۴۲. کاشانی، فتح الله بن شکرالله. (۱۳۳۶ش). تفسیر کبیر منهج الصادقین فی الزام مخالفین. تهران: کتابفروشی و چاپخانه محمد حسن علمی.
۴۳. مؤدب، سیدرضا. (۱۳۸۶ش). مبانی تفسیر قرآن. قم: دانشگاه قم.
۴۴. موسوی دره بیدی، سید حسین؛ احمدنژاد، امیر. (۱۴۰۱ش). «بررسی رویکرد تقریبی دو تفسیر التبیان و مجمع البیان در نقل روایات اهل بیت (ع)». پژوهش های تفسیر تطبیقی (۱)، ۳۲۹-۳۵۳.
- <https://doi.org/10.22091/ptt.2021.4615.1598>
۴۵. مسلم، مصطفی. (۱۴۲۶ق). مباحث فی التفسیر الموضوعی. دمشق: دار القلم.
۴۶. معرفت، محمد هادی. (۱۴۲۷ق). التفسیر الاثری الجامع. قم: موسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید.
۴۷. مطهری، مرتضی. (۱۴۰۱ش). «الغدير» و وحدت اسلامی؛ به ضمیمه مزایا و خدمات مرحوم آیت الله بروجردی و الهامی از شیخ الطائفه. تهران: صدرا.
۴۸. معز الدین، محمد حسین. (۱۳۷۴ش). ندای وحدت. تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
۴۹. مغنیه، محمد جواد. (۱۴۲۴ق). التفسیر الکاشف. قم: دارالکتاب الاسلامی.

۵۰. نجارزادگان، فتح الله. (۱۳۸۸ش). بررسی تطبیقی تفسیر آیات ولایت اهل بیت(ع) در دیدگاه فریقین. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۵۱. نجارزادگان، فتح الله. (۱۳۸۳ش). بررسی تطبیقی مبانی تفسیر قرآن و معارفی از آیات در دیدگاه فریقین. قم: مرکز جهانی علوم اسلامی

۵۲. هاشمی فشارکی، شبنم السادات. (۱۳۷۹ش). «واکاوی دیدگاه موافقان و مخالفان تقریب مذاهب اسلامی». فصلنامه علمی-تخصصی روزگاران ۱۳، ۱۲۳-۱۴۰.

فصلنامه علمی-تخصصی روزگاران ۱۳، ۱۲۳-۱۴۰